آموزش شاگردانی برای آموزش
جلسه ۱۲: یکدیگر را دوست داشته باشید (6a)

ارائه شده توسط ران لایولی، BiblicalMentoring.org – M.A. ،M.Div. (مطالعات)

مرحله ۱: دعای افتتاحیه

مرحله ۲: هر فرد آیه خاطره را نقل می کند: آیه: **اول یوحنا ۱:۹**

۹ «اگر گناهان خود را اعتراف کنیم، او وفادار و عادل است که گناهان ما را می بخشد و ما را از هرگونه نادرستی پاک کند.»

مرحله ۳: *تمام یا بخشی از فصل کتاب مقدس را بخوانید و بحث کنید – **۱ یوحنا ۱***

مرحله ۴: سوالات برای درخواست های شخصی و/یا بحث های گروهی:

1. چرا «عشق به یکدیگر، نشان شاگردی مسیحی» است؟
2. نویسنده می نویسد که مسیحیان متمایزترین هویت را دارند – عشق به دیگر شاگردان.
3. فیلیپس می گوید دو چیز وجود دارد که باید بفهمیم و تجربه کنیم تا عشق خود را به دیگران آشکارا نشان دهیم.
4. بخشیدن خود و دیگران با پذیرفتن بخشش کامل خدا آغاز می شود. چرا این لازم است؟
5. آیا می دانید که شکست در بخشیدن دیگران وقتی خدا شما را بخشیده، به معنای پرسش درباره بخشش خدا است؟

مرحله ۵: *محتوای کتاب را بخوانید و بحث کنید:*

فصل ۶a به گفته نویسنده – کیت فیلیپس:

یکدیگر را دوست داشته باشید

سومین ویژگی شاگردان این است که دیگر مسیحیان را دوست دارد. عیسی گفت: «با این همه انسان ها خواهند دانست که شما شاگردان من هستید، اگر یکدیگر را دوست داشته باشید» (یوحنا ۱۳:۳۵). محبت به یکدیگر نشان شاگردی ماست. مدتی پیش صدای کرکننده ای در لابی هتلم شنیدم. نمی توانستم تصور کنم چه اتفاقی می افتد تا اینکه یک فز قرمز بسیار متمایز دیدم. سپس متوجه شدم که تقریبا سر همه مردان به یک شکل تزئین شده است. شراب‌ها در شهر بودند! کسی مجبور نبود به من بگوید. کلاه هایشان باعث می شد به راحتی قابل تشخیص باشند. بسیاری از گروه ها با نشان یا لباس معمولی شان شناخته می شوند: پلیس ها یونیفرم می پوشند، روتاری ها سنجاق می پوشند، بازیکنان بسکتبال پیراهن می پوشند. اما شاگردان نیازی به سنجاق های «یک طرفه»، یقه کشیشی یا لباس های کلیسایی ندارند. ما می توانیم تنوع در لباس داشته باشیم و به آسانی یک غول در کلونی کوتوله ها قابل شناسایی باشیم. ما متمایزترین هویت را داریم. لازم نیست خانه های کارکنان ما در محله های فقیرنشین تابلوهایی داشته باشند که تبلیغ «خانه تأثیر جهانی» یا «خانه خدا» را تبلیغ کنند. عشق ما به یکدیگر باید آنقدر واضح باشد که همسایگانمان نتوانند وفاداری ما به مسیح را اشتباه بگیرند. وقتی برخی از کارکنان زن ما برای اولین بار به بازارگوشه خیابان رفتند، صاحب مغازه گفت: «اوه، شما از خانه مسیحی هستید، نه؟ من همیشه می توانم شما دخترها را با لبخند بزرگ و عشق تان تشخیص دهم.»

یک ماه پس از افتتاح خانه کارکنان در فرزنو، کسی که قرار ملاقاتی با من داشت، آدرس و نام سازمان مان را گم کرد. او به جامعه آمد و از همسایه ای پرسید که آیا می داند گروهی از مسیحیان کجا زندگی می کنند. او پاسخ داد: «آه، بله، همه ما می دانیم آن ها کی هستند. آن ها در بلوک بعدی گوشه خیابان زندگی می کنند.» دیدار او با همسایه مان بلندتر از هر چیزی بود که من گفتم. از آنجا که جهان می داند ما با عشق به یکدیگر شاگردیم، باید مطمئن شویم هویت ما آشکار است. برای داشتن عشق قوی و مداوم به دیگر مؤمنان، باید بخشش و اجتماع را درک کنیم و تجربه کنیم.

بخشش

یک شاگرد نمی تواند خدا یا خود را، چه برسد به دیگران، دوست داشته باشد مگر اینکه بخشش کامل خدا را بپذیرد و بر این اساس، خود را ببخشد، دیگران را ببخشد و بخشش دیگران را بپذیرد.

بخشش خدا را بپذیر

شما باید بخشش کامل خدا را برای گذشته، حال و آینده خود بپذیرید. هیچ گناهی نیست که با اعتراف و توبه واقعی نتوانید بخشیده شوید. خدا وعده می دهد که ما را از هرگونه نادرستی پاک کند (اول یوحنا ۱:۹) وگناهانمان را برای همیشه فراموش کند (اشعیا ۴۳:۲۵). بخشش خداوند کامل است. هفت سال پیش، پت ویلیامز در اولین باشگاه کتاب مقدس World Impact خود در زمینی خالی در واتس شرکت کرد. وقتی متعهد شد که از عیسی پیروی کند، زند گی اش شروع به تغییر کرد. او با وفاداری کتاب مقدس را مطالعه کرد، دعا کرد و خدا را پرستش کرد. پس از فارغ التحصیلی به کارکنان ما پیوست و شروع به خدمت در همان جامعه ای کرد که در آن بزرگ شده بود. پت نمونه ای برجسته از قدرت رستگاری خدا به نظر می رسید. اما زیر لبخند مسری اش، پت کودکی ای را که توسط ظلم و آزار جسمی ویران شده بود، پنهان می کرد. پدرش زما نی که مادرش سه ماهه باردار پت بود، خانواده را ترک کرد. او و پنج برادرش سه پدر متفاوت داشتند. آن ها در فقر زند گی می کردند و گاهی بدون غذا زند گی می کردند. اما این سوءاستفاده جنسی بود که پت را آزار می داد. عموی خودش زما نی که او هنوز کودک بود شروع به تجاوز به او کرد. پت می گوید: «او به من آب نبات می داد و هر وقت می خواست می آمد دنبالم. چون او بخشی از خانواده بود، کاری از دستم برنمی آمد. تهدید کرد اگر روزی به کسی بگویم، مرا خواهد کشت.» پت در کودکی از همه مردها متنفر بود و از خودش به خاطر کارهایی که عمویش با او کرده بود، متنفر بود. حتی پس از پیوستن به کارکنان ما، از دیدن مردان یا بودن با آن ها متنفر بود. زند گی مسیحی اش با گناه، نفرت و درد فلج شده بود. مانند بسیاری از مسیحیان، پت هدیه نجات خدا را پذیرفته بود، اما بخشش کامل او را نپذیرفته بود.

خودت را بر اساس بخشش خدا ببخش.

شما با بخشیدن خود نشان می دهید که بخشش کامل خدا را پذیرفته اید. وقتی بفهمید خدا شما را دوست دارد، حس کرامت معنوی شما بازمی گردد. این شما را آزاد می کند تا خود را ببخشید. تنها در آن صورت می توانید خود را دوست داشته باشید و بپذیرید. پولس، هم «رئیس گناهکاران» و هم رسول بزرگ مسیح، اعلام می کند: «اما به فضل خدا من همان هستم که هستم...» (اول قرنتیان ۱۵:۱۰). تأیید الهی بافت عشق به خود است. پولس کیفیت خوددوستی را که خدا از شاگردان انتظار دارد نشان می دهد. «هیچ بدن خود را متنفر نیست بلکه با محبت از آن مراقبت می کند، همان طور که مسیح از بدن خود به کلیسا مراقبت می کند...» (افسسیان ۵:۲۹ LB). مسیح قصد داشت که شما نظر سالم و مثبتی درباره خود داشته باشید. تکرار آموزه کتاب مقدس، «همسایه ات را مانند خودت دوست بدار»، اهمیت عشق به خود را برجسته می کند. اگر خودت را دوست نداشته با شی، این عشق ناگزیر در نبود محبت به همسایه ات ظاهر خواهد شد. شکست در بخشیدن خود وقتی خدا تو را بخشیده است، بخشش خدا را به یک ایده انتزاعی تقلیل می دهد. این یعنی تو باور نداری که بخشش او برای گناهانت کامل بوده است. تو با انکار اثربخشی کار نجات و شفا مسیح، حاکمیت او را زیر سؤال می بری. غرور تو می گوید که گناهانت برای خدا بسیار بزرگ تر از آن است که ببخشد و تو فراتر از رستگاری او هستی. این زند گی مسیحی تو را به هم می ریزد. این تو را از آرامش، امنیت و محبتی که خدا برای تو در نظر گرفته بود، می گیرد. نبود این تجربیات ویرانگر است، نه رستگاری. هیچ شاگردی که برای خود مرده و مسیح در او زنده است، به این فکر نمی کند که کم تر از بخشیدن خود انجام دهد چون خدا او را بخشیده است. پت ویلیامز فهمید که نفرت از خود برای یک شاگرد بیگانه است. اما حتی با اینکه قربا نی سوءاستفاده جنسی شده بود، احساس گناه و کثیفی داشت. خدا چگونه می توانست او را ببخشد؟ چگونه می توانست خودش را ببخشد؟ وقتی پت به خانه کارکنان زنان ما نقل مکان کرد، امنیت محبت بی قید و شرط خدا را تجربه کرد. از طریق پذیرش در بدن، فهمید که خدا او را بدون توجه به آنچه انجام داده یا چه اتفا قی برایش افتاده دوست دارد. به خاطر فداکاری مسیح، خدا گناهانش را پاک کرد و تاوان سوءاستفاده را داد. او با او طوری رفتار کرد که انگار هرگز وجود نداشته اند. بر این اساس، او می توانست خودش را دوست داشته باشد. پت بهترین جمله را می گوید: «فهمیدم وقتی عیسی مرد، او تاوان تمام دردها، گناه و تلخی های زند گی ام را داد. او آن را حل کرد. با نگرا نی درباره گذشته و نپذیرفتن بخشش کامل خدا، قدرت او را برای پاک کردن کامل و نو کردنم زیر سؤال بردم. اما حالا می دانم که او کاملا مرا بخشیده و بنابراین می توانم خودم را بپذیرم و ببخشم.»

صفحات ۵۹-۶۲

مرحله ۶: *درخواست های دعای شخصی خود را به اشتراک بگذارید و سپس هر برای درخواست دیگری دعا کند.*

منبع: ساخت یک شاگرد نوشته دکتر کیت فیلیپس. انتشارات شرکت فلمینگ اچ. رول، ۱۹۸۱. شابک 0-8007-1181-5. مقدمه از رابرت ای. کولمن. محتوا (به جز سوالات مطالعه) بدون بازبینی از کتاب گرفته شده است.

20261011 بازنگری شده